



بررسی ارتباط بین درماندگی مالی بر اجتناب مالیاتی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

The relationship between the Financial Distress on tax Avoidance in Companies Listed on Tehran Stock Exchange

سمیه سلطانی پناه: دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت مالی، گروه حسابداری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق، تهران، ایران. نویسنده مسئول: (SOLTANIPANAHS@YAHOO.COM)

صدیقه طوطیان: استادیار گروه حسابداری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق، تهران، ایران، (TOOTIAN_IR@YAHOO.COM)

مصطفی هاشمی: استادیار گروه حسابداری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق، تهران، ایران،

Mostafahashemi@gmail.com

چکیده

هدف این تحقیق بررسی تاثیر درماندگی مالی بر اجتناب مالیاتی شرکتهای پذیرفته شده در بورس تهران می باشد. قلمرو مکانی این تحقیق بورس اوراق بهادار تهران و قلمرو زمانی طی سال های بین ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۲ بوده است. با توجه به روش حذف سیستماتیک تعداد ۹۰ شرکت یا به عبارتی ۱۰۸۰ شرکت - سال به عنوان نمونه آماری تحقیق انتخاب گردید. جهت گیری تحقیق حاضر از نظر هدف «کاربردی» و از نظر روش اجرا «توصیفی-همبستگی» است. اطلاعات با استفاده از روش «کتابخانه ای» جمع آوری گردید. درماندگی مالی به عنوان متغیر مستقل و اجتناب مالیاتی متغیر وابسته این تحقیق هستند. در این تحقیق به منظور آزمون فرضیه ها از آزمون رگرسیون استفاده شده است. نتایج پژوهش حاکی از آن بود که بین درماندگی مالی و اجتناب مالیاتی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معنادار وجود ندارد.

واژگان کلیدی: (درماندگی مالی)، (اجتناب مالیاتی)، (بورس اوراق بهادار تهران)

پژوهش های نوین در مدیریت

2nd International Conference on
Modern Research in

و مهندسی صنایع

Management and Industrial Engineering



مقدمه

با توجه به شرایط اقتصادی امروز تعداد شرکتهای ورشکسته و اهمیت درماندگی مالی در حال افزایش است. حتی حسابسان که دارای دانش و آگاهی خوب از وضعیت مالی شرکت هستند نمی توانند قضاوتی درست درمورد تداوم فعالیت شرکت داشته باشند. مساله درماندگی مالی همواره مساله ای درخور تامل بوده است و به دلیل اهمیت آن اندیشمندان حسابداری و مالی در سراسر دنیا به فکر یافتن روش هایی جهت پیش بینی درماندگی مالی هستند. با توجه به نتایج تحقیقاتی که توسط ادواردز و همکاران (۲۰۱۳) ارائه شد؛ محدودیت های مالی منافع حاصل از ذخیره مالیاتی را افزایش می دهد. به این ترتیب شرکتهایی که دچار درماندگی مالی هستند برای رسیدن به جریان نقدی بیشتر، اقدام به اجتناب مالیاتی می کنند. بنابراین محدودیتهای کلان مالی اقتصادی با افزایش اجتناب مالیاتی همراه است (Brandlo, 2009). درماندگی مالی و ورشکستگی شرکتها منجر به هدر رفتن منابع و عدم بهره گیری از فرصتهای سرمایه گذاری می شود. پیش بینی درماندگی مالی با ارائه هشدارهای لازم می تواند شرکتها را نسبت به وقوع درماندگی مالی و ورشکستگی هوشیار نماید تا آنها با توجه به این هشدارها، به اقدامهای مناسب دست بزنند (سعیدی و آقایی، ۱۳۸۸). با توجه به ادواردز و همکاران (۲۰۱۳) کاربردهای مختلفی از سیاست های مالیاتی شرکت در زمان درماندگی مالی شرکتها وجود دارد. شرکتهایی که دچار درماندگی مالی هستند نسبت به مالیات رفتار گریزانه تری دارند. زیرا این قبیل شرکتها وجه نقد خود را برای مواقع بحران نیاز دارند. از آنجایی که هزینه مالیات یکی از جریانهای خروجی وجوه بااهمیت بشمار می رود بنابراین اثرات منفی خصوصا برای شرکتهای درمانده مالی بدنبال دارد (Chen et al, 2010).

اجتناب مالیاتی یکی از بخش های یکپارچه استراتژی های مدیریت سرمایه شرکتها می باشد (Desai and Darmapala, 2006). که شامل تنظیم و تفاوت در قوانین مالیاتی جهت کاهش مبالغ مالیات پرداختنی می باشد (Atwoud et al, 2012). از آنجایی که مالیات شرکتها بخش اعظمی از هزینه های یک شرکت را تشکیل می دهد بنابراین مدیران این انگیزه را دارند تا به گسترش استراتژی های مربوط به کاهش مالیات پرداختی با توجه به نیازهای سرمایه شرکت بپردازند. برنامه ریزی و اجرای فعالیت های اجتناب مالیاتی جهت کاهش هزینه مالیات یکی از استراتژی های بلاقوه مدیریت زمان در رویارویی با درماندگی مالی بشمار می رود. بطور کلی شرکتهایی که دچار درماندگی مالی هستند نقدینگی کمتری برای نرخ های مالیاتی دارند در نتیجه رابطه معناداری بین درماندگی مالی و برنامه ریزی مالیاتی وجود دارد (Edward et al, 2013). نقدشوندگی سهام با اجتناب مالیاتی پایین رابطه مثبت دارد. اثر نقدشوندگی سهام بر اجتناب مالیاتی برای شرکتهایی که در سطح بالایی از کسب و کارهای نامعلوم دارند قوی تر است. همچنین اثر نقدشوندگی سهام برای شرکتهایی که اجتناب مالیاتی کمتری دارند و از نظر مالی محدود هستند کاهش می یابد و هرچه قیمت سهام برای مدیران حاوی اطلاعات مفیدتری باشد، نقدشوندگی سهام بیشتر بر برنامه ریزی مالیاتی شرکت تاثیرگذار است (Chen et al, 2014). براندولو (۲۰۰۹) خاطرنشان کرد که طی دوره بحران مالی فعالیتهای اجتناب مالیاتی افزایش می یابد. درماندگی مالی شرکتها را تشویق به کاهش بدهی های مالیاتی می کند. در حقیقت ذخیره مالیات سرمایه مورد نیاز در تامین مالی عملکرد جاری شرکت، دستیابی به نرخ اعتباری و کاهش ریسک ورشکستگی را فراهم می کند (Brandlo, 2009). شرکتهایی که دچار محدودیت مالی هستند در مقایسه با سایر کشورها نسبت به مالیات از حساسیت بیشتری برخوردارند



(Edwards et al, 2013). همچنان که اجتناب مالیاتی می تواند ارزش بعد از مالیات شرکت را افزایش دهد، از سوی دیگر، به دلیل تضاد منافع بین مدیران و سهامداران، می تواند در فعالیت های شرکت ابهام ایجاد و زمینه را برای انحراف منافع توسط مدیران مهیا کند که در صورت وجود انگیزه های پاداشی برای مدیران، این مساله می تواند کاهش یابد. برنامه های اجتناب مالیاتی می تواند صرفه جویی مالیاتی را برای شرکت در پی داشته باشد. با این حال، همواره این احتمال وجود دارد که به سبب برنامه ریزی های ج سورانه مالیاتی که در جهت پنهان کردن حقایق به منظور جلوگیری از کشف توسط ماموران مالیاتی انجام می شود، ابهام فعالیت های مالی شرکت افزایش یابد (پورحیدری و همکاران، ۱۳۹۳). در نتیجه می توان دریافت که تحقیق در زمینه تاثیر درماندگی مالی بر اجتناب مالیاتی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران حائز اهمیت می باشد. با توجه به مطالب گفته شده مبنی بر اهمیت درماندگی مالی و اجتناب مالیاتی؛ پژوهش حاضر به این مسئله می پردازد که درماندگی مالی چه تاثیری بر اجتناب مالیاتی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۸۲ الی ۱۳۹۲ دارند.

پیشینه تحقیق

جبارزاده کنگرلویی و همکاران (۱۳۸۸) به بررسی ارتباط بین هموارسازی سود و درماندگی مالی شرکتها پرداختند. جهت آزمون فرضیه ها، ابتدا نمونه ای ۸۱ عضوی از بین شرکتهای مشمول ماده ۱۴۱ اصلاحی قانون تجارت فعال در بورس اوراق بهادار تهران در طی دوره ۱۰ ساله مابین سالهای ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۵ را انتخاب و احتمال درماندگی مالی شرکتها از طریق مدل پیش بینی احتمال درماندگی مالی آلمن، محاسبه شد. یافته های پژوهش حاکی از آن است که مدیران واحدهای تجاری در مراحل مختلف درماندگی مالی، برای بهتر نشان دادن وضعیت مالی و عملکرد شرکتشان، جهت حفظ خود در بازار سرمایه از طریق ابزارهایی که در اختیار دارند دست به اقداماتی می زنند که به هموارسازی سود منجر می گردد.

نظری پور و ناصرآبادی (۱۳۹۰) به شناسایی عوامل تاثیر گذار بر عدم پرداخت بموقع مالیات و فرار مالیاتی مودیان پرداختند. نتایج حاصل از یافته های تحقیق بیانگر آن است که اکثر پاسخ دهندگان معتقد اند که پنج عامل ابهام در قوانین و مقررات مالیاتی برای مودیان، عدم شناسایی منابع بالقوه مالیاتی، عدم تبادل اطلاعات، ترویج ناکارآمد فرهنگ مالیاتی و عدم ضمانت اجرا، به ترتیب بیشترین تاثیر را در عدم پرداخت به موقع فرار مالیاتی مودیان داشته است.

انصاری و عباسی (۱۳۹۱) به بررسی تاثیر مالیات بر ارزش افزوده بر ساختار سرمایه و سودآوری شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. جامعه آماری مورد مطالعه شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی ۱۳۸۹ - ۱۳۸۴ می باشد. نتایج تحقیق بیانگر یک رابطه مثبت معنی دار بین مالیات بر ارزش افزوده و متغیر های وابسته ساختار سرمایه، سودآوری و درآمد مشمول مالیات می باشد. بر این اساس مالیات بر ارزش افزوده با تاثیر مستقیم بر ساختار سرمایه شرکتها، باعث افزایش سودآوری و به تبع آن افزایش درآمد مشمول مالیات آنها شده است.

فروغی و همکاران (۱۳۹۱) به بررسی رابطه بین فرار مالیاتی و ریسک سقوط آتی قیمت سهام در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. به این منظور دو فرضیه اصلی و سه فرضیه فرعی تدوین شده و به منظور آزمون این فرضیه ها، نمونه ای از بین شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۸ انتخاب گردید. جهت آزمون فرضیه ها نیز از روش رگرسیون لجستیک و مدل داده های ترکیبی استفاده شده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که استراتژی های مؤثر جهت فرار از مالیات، مستلزم استفاده از یک سیستم گزارشگری پیچیده و مبهم است. این موضوع زمینه را برای اقدامات فرصت طلبانه مدیران

پژوهش های نوین در مدیریت

2nd International Conference on
Modern Research in

Management and Industrial Engineering

فراهم می کند تا در راستای منافع شخصی خود از افشای اخبار منفی خودداری کرده و آن ها را در داخل شرکت پنهان کنند. هنگامی که این توده اطلاعات منفی وارد بازار می شود به سقوط قیمت سهام می انجامد.

باقرپور و همکاران (۱۳۹۱) به بررسی عوامل مالی و غیر مالی موثر بر اجتناب مالیاتی با استفاده از تکنیک های داده کاوی در صنعت خودرو و ساخت قطعات پرداختند. آنان دریافتند که متغیرهای نسبت دارایی ها به درآمد خالص، قدرمطلق نسبت هزینه بهره به درآمد خالص و استقلال هیات مدیره رابطه مستقیم و متغیرهای نسبت سود و زیان خالص به دارایی ها و عملکرد شرکت (سود یا زیان) رابطه عکس با احتمال اجتناب مالیاتی مودیان مالیاتی دارند.

پورزمانی و پویان راد (۱۳۹۱) به بررسی ارتباط بین مدیریت سود و ناتوانی مالی شرکت ها پرداختند. نتایج پژوهش نشان می دهد که بین ناتوانی مالی شرکتها و مدیریت سود در هموارسازی واقعی سود یک همبستگی نسبتا قوی و هم جهت وجود دارد و در ارتباط با هموارسازی ساختگی سود ارتباط معناداری بین متغیرهای پژوهش مشاهده نشد.

دستگیر و همکاران (۱۳۹۱) به بررسی کیفیت سود در شرکت های درمانده مالی پرداختند. این پژوهش با استفاده از اطلاعات شرکت های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران و در دوره زمانی سال های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۸ انجام شد. نتایج تحقیق بیانگر این است که شرکت های درمانده مالی سودهای خود را در سه سال قبل از ورشکستگی به شکل افزایشی مدیریت می کنند. انجام این مدیریت به دو طریق دستکاری ارقام تعهدی و فعالیت های واقعی آزمون و مشخص شد که شرکت های درمانده مالی بیشتر از شرکت های سالم از طریق فعالیت های واقعی سودهای خود را مدیریت می کنند، در حالی که شرکت های سالم این کار را بیشتر از طریق ارقام تعهدی انجام می دهند.

دسای و دارماپالا (۲۰۰۹) به بررسی رابطه بین اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت پرداختند. طبق تحلیلات انجام شده نتایج پژوهش حاکی از آن است که تاثیر میانگین اجتناب مالیاتی بر ارزش شرکت از صفر تفاوت معناداری ندارد. در شرکت هایی که از حاکمیت قوی برخوردارند تاثیر اجتناب مالیاتی بر ارزش شرکت مثبت می باشد. بنابراین اجتناب مالیاتی شرکت؛ بعنوان انتقال منابع به سهامداران، همچنان تکامل نیافته است و در رابطه مدیران و سرمایه گذاران موجب ایجاد مشکلات نمایندگی می شود.

ادواردز و همکاران (۲۰۱۳) به بررسی رابطه بین درماندگی مالی و فعالیت های اجتناب مالیاتی پرداختند. نتایج پژوهش حاکی از آن بود، شرکت هایی که دچار درماندگی مالی هستند نقدینگی کمتری برای نرخ های مالیاتی دارند در نتیجه رابطه معناداری بین درماندگی مالی و برنامه ریزی مالیاتی وجود دارد.

کاتز و همکاران (۲۰۱۳) به بررسی رابطه بین اجتناب مالیاتی و سودآوری آتی شرکتها پرداختند. سوال اصلی این پژوهش این است که آیا مدیران بمنظور بهبود و افزایش سودآوری آتی شرکت، اندوخته های حاصل از اجتناب مالیاتی را در پروژه هایی که ارزش فعلی خالص مثبت دارند سرمایه گذاری می کنند؟ در این پژوهش بطور غیر مستقیم به بررسی نقش تعدیل گری اجتناب مالیاتی در همبستگی بین سودآوری فعلی و آتی پرداخته شده است. طبق تحلیلات انجام شده نتایج پژوهش حاکی از آن است که شرکت هایی که اقدام بیشتری به اجتناب مالیاتی می کنند از سودآوری آتی کمتری برخوردارند.

چن و همکاران (۲۰۱۴) به بررسی رابطه بین اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار چین پرداختند. هدف از این پژوهش بررسی چگونگی افزایش در ارزش شرکت با توجه به رفتار اجتناب مالیاتی می باشد. این پژوهش بحث می کند که در شرکت های توسعه یافته اجتناب مالیاتی الزاما در شرکت های که دچار ابهام اطلاعاتی هستند ایجاد ارزش نمی کند. با استفاده از نمونه شرکت های چینی طی دوره ۲۰۰۱ الی ۲۰۰۹ و مدل رگرسیون اثرات ثابت نتایج پژوهش حاکی از آن است که افزایش اجتناب مالیاتی

موجب افزایش هزینه های نمایندگی و کاهش ارزش شرکت می شود. همچنین شفافیت اطلاعات شرکت نقش تعدیل کننده در رابطه بین اجتناب مالیاتی و ارزش شرکتها دارد.

روش تحقیق

طرح پژوهش این تحقیق با استفاده از رویکرد پس رویدادی (از طریق اطلاعات گذشته) است. از طرف دیگر، پژوهش حاضر از نوع تحقیقات توصیفی-همبستگی است. بر اساس ماهیت داده ها، از نوع تحقیق کمی به حساب می آید. بر اساس اهداف نیز از نوع تحقیق کاربردی به حساب می آید. و به منظور بررسی فرضیه های پژوهش و با توجه به ماهیت اطلاعات و داده های پژوهش که مبتنی بر اطلاعات کمی و واقعی گذشته است، از روش همبستگی و رگرسیون استفاده می شود. برای بررسی مانایی و نامانایی متغیرها آزمون دیکی فولر و برای تبیین قدرت توضیح دهنده متغیرهای توضیحی از ضریب تعیین تعدیل شده (Adjusted R2)، برای تعیین خود همبستگی از آماره دورین-واتسون، برای بررسی معنی داری متغیرها از آماره t و برای بررسی کیفیت کلی مدل از آماره F فیشر استفاده خواهد شد. همچنین تحلیل های آماری با استفاده از نرم افزارهای EXCEL و EVIEWS9 انجام خواهد شد. داده های مورد نیاز تحقیق کلاً از روش کتابخانه ای و همچنین با مراجعه به سازمان بورس اوراق بهادار تهران و مطالعه صورتهای مالی اساسی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی سالهای ۱۳۸۲-۱۳۹۲ بدست آمده اند. در این باره علاوه بر مطالعه صورتهای مالی اساسی، اطلاعات مربوطه از سایت اطلاعاتی بورس اوراق بهادار تهران مورد استفاده قرار گرفته است. جامعه مطالعاتی تحقیق شامل کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی سال های ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۲، که تمامی شرایط زیر را دارا باشند.

۱. شرکت قبل از سال ۱۳۸۲ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشد.

۲. پایان سال مالی شرکتها ۲۹ اسفند هر سال باشد.

۳. طی این سال ها زیان عملیاتی نداشته باشند.

۴. جزء شرکتهای مالی و سرمایه گذاری نباشد.

۵. اطلاعات مالی مورد نیاز شرکت ها قابل دسترس باشد.

با توجه به روش حذف سیستماتیک تعداد ۳۰۴ شرکت از ۴۱۵ شرکت انتخاب و نمونه آماری در این تحقیق، با توجه به حجم جامعه شامل ۹۰ شرکت می باشد، که نسبت به برآورد این تعداد نمونه با توجه به نوع مقیاس متغیرهای فرضیه های این پژوهش، از رابطه زیر (روش نمونه گیری تصادفی ساده بدون جایگذاری) استفاده شده است :

$$n = \frac{N(Z_1 - \frac{a}{2})^2 \sigma^2}{(N + 1)d^2 + (Z_1 - \frac{a}{2})^2 \sigma^2}$$

$$Z_1 = \text{میزان اطمینان در سطح } 95\%$$

$$N = \text{حجم جامعه}$$

$$d = \text{خطای نمونه گیری}$$

$$\sigma^2 = \text{واریانس جامعه}$$

مدل رگرسیونی تحقیق

$$TA_{it} = \alpha_0 + \beta_1 FD_{it} + \beta_2 AGE_{it} + \beta_3 SIZE_{it} + \beta_4 LEV_{it} + \beta_5 CINT_{it} + \beta_6 INVINT_{it} + \beta_7 MTB_{it} + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

متغیرهای تحقیق

در مدل فوق A معرف شرکت مورد بررسی و t معرف سال های مورد رسیدگی (۱۳۸۲-۱۳۹۲) می باشد. TA_{it} اجتناب مالیاتی و متغیر وابسته مدل می باشد که طبق دایرنگ و همکاران (۲۰۰۸) از تقسیم مالیات پرداختی بر سود قبل از مالیات بدست می آید. FD_{it} همان درماندگی مالی شرکتها و متغیر مستقل مدل است و طبق مدل سلیمانی امیری (۱۳۸۱-۱۳۸۲) اندازه گیری می شود. که فرمول کلی آن بشرح زیر است: فرمول کلی آن به شرح زیر است:

$$FD_i = \alpha + \beta_1 * WCTA + \beta_2 * CACL + \beta_3 * PBTA + \beta_4 * TETA + \beta_5 * STA + \varepsilon \quad (2)$$

متغیرهای کنترلی مورد استفاده در مدل رگرسیون از این قرار است که Age_{it} سن شرکت است؛ $Size_{it}$ اندازه شرکت است که برابر است با لگاریتم طبیعی دارایی های شرکت؛ LEV همان اهرم مالی می باشد که از نسبت بدهی های بلندمدت به کل دارایی ها حاصل می گردد؛ $CINT$ نسبت اموال، تجهیزات و ماشین آلات بر کل دارایی ها؛ $INVINT$ نسبت موجودی کالا به کل دارایی ها و همچنین MTB نسبت ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام می باشد.

تجزیه و تحلیل دادهها

آمار توصیفی

با توجه به جدول ۱ اصلی ترین شاخص مرکزی، میانگین است که نشان دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است. با توجه به داده های این آمار توصیفی مشاهده می گردد که اجتناب مالیاتی شرکت ها برابر با ۰,۱۵ و میانگین درماندگی مالی برابر ۱,۶ می باشد. میانه نشان می دهد که نیمی از داده ها کمتر از این مقدار و نیمی دیگر بیشتر از این مقدار هستند. بطور کلی از میانه به عنوان اندازه تمایل به مرکز توزیع هایی که شکل آنها نامتقارن است، استفاده می شود. به طور کلی پارامترهای پراکندگی، معیاری برای تعیین میزان پراکندگی داده ها از یکدیگر یا میزان پراکندگی آن ها نسبت به میانگین است. از مهم ترین پارامترهای پراکندگی، انحراف معیار است.

جدول ۱- آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

نام متغیر	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
اجتناب مالیاتی	0.152019	0.125069	1.608439	0.000142	0.126344
درماندگی مالی	1.623384	1.617124	9.410916	-3.429239	1.550972
سن شرکت	35.66019	38.00000	61.00000	7.000000	12.21442
اندازه شرکت	13.91835	13.84916	18.53182	10.03122	1.514066
اهرم مالی	0.613061	0.617683	2.077506	0.096415	0.227759
اموال، ماشین آلات و تجهیزات	0.107624	0.055913	1.358386	0.000518	0.154150
موجودی کالا	0.670700	0.648032	2.077506	0.089110	0.246473
ارزش بازار به ارزش دفتری	4.336904	2.277825	43.64769	0.130019	5.372947

یافته های منتج از فرضیه تحقیق

با توجه به جدول ۲ آمار دوربین - واتسون بین ۱,۵ تا ۲,۵ قرار دارد، بنابراین می توان گفت که بین خطاها همبستگی وجود ندارد و می توان از آزمون رگرسیون استفاده نمود. ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰,۵۸۵ می باشد که نشان می دهد متغیرهای مستقل و کنترلی مدل می توانند در حدود ۵۸,۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته را پیش بینی نمایند. سطح معناداری آماره F نیز در سطح خطای ۱ درصد معنادار می باشد که می توان بیان کرد مدل کلی تحقیق از لحاظ آماری معنادار می باشد. در نهایت، به منظور تایید یا رد فرضیه مقابل ادعای محقق می توان گفت چون که سطح معناداری آماره t متغیر درماندگی مالی در سطح خطای ۵ درصد معنادار نیست، می توان فرض H_0 را پذیرفت و فرض H_1 را رد کرد. بنابراین می توان گفت، بین درماندگی مالی و اجتناب مالیاتی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معنادار وجود ندارد.

جدول ۲- آزمون رگرسیون فرضیه تحقیق

نام متغیر	ضرایب برآوردی	انحراف برآورد	آماره t	سطح معناداری
ثابت	0.280245	0.054911	5.103573	0.0000
درماندگی مالی	-0.064849	0.064606	-1.003757	0.3157
سن شرکت	-0.000390	0.000344	-1.133351	0.2573
اندازه شرکت	-0.005409	0.002462	-2.197171	*0.0282
اهرم مالی	-0.002050	0.017975	-0.114065	0.9092
اموال، ماشین آلات و تجهیزات	-0.035230	0.025344	-1.390106	0.1648
موجودی کالا	0.009403	0.016876	0.557170	0.5775
ارزش بازار به ارزش دفتری	-0.000745	0.000760	-0.979359	0.3276
دوربین - واتسون		1.392452		
آماره F		5.241727		
سطح معناداری		**0.000000		
ضریب تعیین تعدیل شده		0.5853		

*سطح خطای ۵ درصد، **سطح خطای ۱ درصد

بحث و نتیجه گیری

هدف این تحقیق بررسی تاثیر درماندگی مالی بر اجتناب مالیاتی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس تهران می باشد. قلمرو مکانی این تحقیق بورس اوراق بهادار تهران و قلمرو زمانی سال های بین ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۲ بوده است. نتیجه آزمون فرضیه تحقیق حاکی از آن بود که بین درماندگی مالی و اجتناب مالیاتی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معنادار وجود ندارد. بنابراین نتایج تحقیق حاضر با نتایج ادواردز و همکاران (۲۰۱۳) در تناقض است. آنان یافتند شرکتهایی که دچار درماندگی مالی هستند نقدینگی کمتری برای نرخ های مالیاتی دارند در نتیجه رابطه معناداری بین درماندگی مالی و برنامه ریزی مالیاتی وجود دارد. دستگیر و همکاران (۱۳۹۱) به بررسی کیفیت سود در شرکتهای درمانده مالی پرداختند. نتایج تحقیق بیانگر این است که شرکتهای درمانده مالی سودهای خود را در سه سال قبل از ورشکستگی به شکل افزایشی مدیریت می کنند. انجام این مدیریت به دو طریق دستکاری ارقام

پژوهش های نوین در مدیریت

2nd International Conference on
Modern Research in

و مهندسی صنایع

Management and Industrial Engineering

تعهدی و فعالیت های واقعی آزمون و مشخص شد که شرکت های درمانده مالی بیشتر از شرکت های سالم از طریق فعالیت های واقعی سودهای خود را مدیریت می کنند، در حالی که شرکت های سالم این کار را بیشتر از طریق اقلام تعهدی انجام می دهند.

از آنجایی که طبق نتیجه فرضیه تحقیق درماندگی مالی بر گریز مالیاتی شرکتها تاثیر معناداری ندارد، لذا به سازمان حسابرسی و سایر موسسه های حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران که به عنوان موسسه های حسابرسی معتمد بورس شناخته شده اند پیشنهاد می گردد که با طرح ریزی و اجرای حسابرسی های موثر و کارآمد موجبات شناسایی و گزارش به موقع بحران های مالی موجود پنهان در شرکتها را با مراجع ذیربط و مدیران مالی شرکتها فراهم نمایند. تا با آگاهی و اقدامات به موقع از بروز مراحل بعدی درماندگی مالی جلوگیری گردد. با توجه به مطالب، میتوان پیشنهاد نمود که دولت ها در سراسر جهان در مقابله با این گونه بحران ها وارد عمل می شوند و سیاست های مالی و پولی خود را آن گونه تنظیم می کنند که خسارت ناشی از این بحران ها را بر بازار سرمایه و سرمایه گذاران خرد و کلان حداقل کنند. در کشور ما همانند سایر کشورها انتخاب راهکارهای مناسب برای کاستن از خسارت های ناشی از بحران های مالی، نیازمند شناسایی ویژگی های بازارهای مالی کشور و نحوه تأثیر پذیری آن ها از بحران ها می باشد.

منابع

- ایزدی نیا، ناصر و رسائیان، امیر. ساختار سرمایه و مالیات بر درآمد شرکتها. فصلنامه تخصصی مالیات . ۱۳۸۸. شماره چهارم.
- باقرپورولاشانی، محمدعلی؛ باقری، مصطفی، خادم، حمید وحسینی پور، رضا. بررسی عوامل مالی و غیرمالی موثر بر گریز مالیاتی با استفاده از تکنیک های داده کاوی صنعت خودرو و ساخت قطعات، فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال دهم، شماره ۳۴، ۱۳۹۱. صص ۱۰۳-۱۲۸
- پورزمانی، زهرا و پویان راد، مهدی. بررسی ارتباط بین مدیریت سود و ناتوانی مالی شرکت ها. دانش مالی تحلیل اوراق بهادار. دوره ۵. شماره ۱۶. ۱۳۹۱. صص ۷۷-۸۸
- جبارزاده کنگرلویی، سعید؛ خدایارگانه، سعید؛ پورزاسلطان احمدی، اکبر. بررسی ارتباط بین هموارسازی سود و درماندگی مالی شرکتها. حسابداری مالی. دوره ۱. شماره ۲. ۱۳۸۸. صص ۶۰-۸۰
- خدای پور، احمد و امینی نیا، میثم. بررسی ارتباط بین اجتناب از پرداخت مالیات و هزینه بدهی و تاثیر مالکیت نهادی بر این رابطه در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، ۱۳۹۲. پژوهش های حسابداری مالی.
- دستگیر، محسن؛ حسین زاده، علی؛ خدادادی، ولی و واعظ، سید علی. کیفیت سود در شرکتهای درمانده مالی. پژوهش های حسابداری مالی. دوره ۴. شماره ۱. ۱۳۹۱. صص ۱-۱۶
- نظری پور، محمد و ناصرآبادی، دلیر. (۱۳۹۰). شناسایی عوامل تاثیر گذار بر عدم پرداخت بموقع مالیات و فرار مالیاتی مودیان. همایش ملی ایده های نو در حسابداری و حسابرسی
- ولی پور، هاشم؛ طالب نیا، قدرت اله و جوانمرد، سیدعلی. بررسی تاثیر مدیریت سود بر کیفیت سود شرکت های دارای بحران مالی. دانش حسابداری. دوره ۴. شماره ۱۳. ۱۳۹۲. صص ۷۵-۱۰۳

AbdulWahab, N& Holland, K. (2012). Tax planning, corporate governance and firm value. British accounting review, vol 44. No 2, pp 111-124

Adrian, T, Colla, P & Shin, H. (2012). Which financial friction? Parsing the evidence from the financial crisis of 2007-2009. Staff report, federal reserve bank of New York

Ayres, B, Jiang, J & Laplante, S. (2009). Taxable income as a performance measures the effects of tax planning and earning quality. Contemporary accounting research, vol 26. No 1, pp 15-54

Balakrishnan, K, Blouin, J & Guay, W. (2011). Does tax aggressiveness reduce financial reporting transparency? SSRN paper

Chen, X, Hu, N, Wang, X& Tang, X. (2014). Tax avoidance and firm value: evidence from China. International Nankai business review, vol 5. No 1, pp 52-42

Chen, Y& Zolotoy, L. (2014). Stock liquidity and corporate tax avoidance: the tale of two tails. Department of banking and finance.

Desai, M& Dharmapala, D. (2009). Corporate tax avoidance and firm value. Journal of economics and statistics review. Vol 91. No 3, pp 537-546

Desai, M, Dyck, A & Zingales, L. (2007). Theft and taxes. Journal of financial economics, vol 84. No 3, pp 591-623

Dyreneg, S, Hanlon, M & Maydew, E. (2008). Long-run corporate tax avoidance. The accounting review, vol 83. No 1, pp 62-82.

Edwards, A, Schwab, C, & Shelvin, T. (2013). Financial constraints and the incentive for tax planning. Working paper. Available at www.ssrn.com

Filip, A, & Raffournier, B. (2014). Financial crisis and earnings management. The international journal of accounting, vol 49. No 4, pp 455-478

Graham, J & Tucker, A. (2006). Tax shelters and corporate debt policy. Journal of financial economics, vol 81. No, 3, pp563-594.

Habib, A, Borhan Adin, M, & Islam, A. (2013). Financial distress, earnings management and market pricing of accruals during the global financial crisis. Managerial Finance, vol. 39. No 2, pp.155 – 180

Hanlon, M & Heitzman, S. (2010). A review of tax research. Journal of accounting and economics, vol 50, pp 127-178

Katz, S, Khan, U & Schmidt, A. (2013). Tax avoidance and future profitability. Available at www.ssrn.com

Kemsley, D & Nissim, D. (2002). Valuation of tax shield. Journal of finance, vol 57. No 5, pp 2045-2073.

Kim, J., Li, Y. & Zhang, L., (2011). Corporate tax avoidance and stock price crash risk: Firm-level analysis. Journal of Financial Economics 100, 639-662

Korteweg, A. (2007). The costs of financial distress across industries. Available at www.ssrn.com

Lestari, N. (2014). The effect of the tax planning to firm value with moderating board diversity. Batam state polytechnic. Available at www.ssrn.com

Li, W & Xu, Y. (2013). Political status and tax avoidance. The journal of financial research, vol 3, pp 114-129.

Lin, S, Tong, N, & Tucker, A. (2014). Corporate tax ggression and debt. Journal of banking and finance, vol 40, pp 227-241

Manzon, G & Plesko, G. (2002). The relation between financial and tax reporting measures of income. Tax law review, vol 55, pp 175-214

Tang, T, & Firth, M. (2011). Can book- tax differences capture earnings management and tax management? Empirical evidence from China. The international journal of accounting, vol 46, pp 175-204.

Wang, J & Zhang, Q. (2009). Information transparency and manager compensation effectiveness: evidence from Chinese securities market. Nankai business review, vol 5, pp 94-100

Wang, X. (2010). Tax avoidance, corporate transparency and firm value. Department of accounting, university of Texas at Austin. available at www.ssrn.com

Wang, X & Dai, D. (2013). The information content of income tax item in consolidated financial statements. The journal of Shanxi University of finance and economics, vol 2, pp 116-124.

Wu, L. (2009). State ownership, preferential tax and corporate tax burdens. Economics research journal, vol 10, pp 109-120.

Zeng, Y & Zhang, J. (2009). Does taxation have a governance role? The management world, vol 3, pp 143-151